

A SIMPLE WAY

---

A SIMPLE WAY

یک راه آسان

---

When you feel your heart is gray

وقتی دلت می‌گیره

When happiness seems so far away

وقتی شادی خیلی دور به نظر میرسه

There's a simple way I can't explain

یه راه آسون وجود داره که نمی‌تونم توضیح بدم

Just cry a little for Husayn

فقط کمی برای حسین گریه کن

When you feel your heart is gray

وقتی دلت می‌گیره

When happiness seems so far away

وقتی شادی خیلی دور به نظر میرسه

There's a simple way I can't explain

یه راه آسون وجود داره که نمی‌تونم توضیح بدم

Just cry a little for Husayn

فقط کمی برای حسین گریه کن

Husayn

حسین

Husayn

حسین

Husayn

حسین

He has brought us this simple way

او این راه آسون رو برای ما ساخته

With his broken bones

با استخوان‌های شکسته‌اش

Through fire and flames

در میان آتش و شعله‌ها

Whips and chains

شلاق‌ها و زنجیرها

And stinging thorns

و خارهای گزنده

He has brought us this simple way

او این راه آسون رو برای ما ساخته

With his children's hands

با دستان بچه‌هایش

And wounded feet

و پاهای زخمی

In thirst and heat

در تشنگی و گرما

On burning sands

بر روی شن‌های سوزان

Thinking of our hearts

در حالیکه به قلب‌های ما فکر می‌کرد

Thinking of our souls

در حالیکه به روح‌های ما فکر می‌کرد

He was breaking the swords

شمشیرها را می‌شکست

Breaking the swords

شمشیرها را می شکست

Thinking of our hearts

در حالیکه به قلب های ما فکر می کرد

Thinking of our souls

در حالیکه به روح های ما فکر می کرد

He was running through the arrows

در میان تیرها می دوید

Running through the arrows

در میان تیرها می دوید

You can feel him in your heart

می توانی او را در قلبت احساس کنی

Come and enjoy his light

بیا و از نور او لذت ببر

Husayn

حسین

Husayn

حسین

Husayn

حسین

He has brought us this simple way

او این راه آسون رو برای ما ساخته

With his broken bones

با استخوان‌های شکسته‌اش

Through fire and flames

در میان آتش و شعله‌ها

Whips and chains

شلاق‌ها و زنجیرها

And stinging thorns

و خارهای گزنده

He has brought us this simple way

او این راه آسون رو برای ما ساخته

With his children's hands

با دستان بچه‌هایش

And wounded feet

و پاهای زخمی

In thirst and heat

در تشنگی و گرما

On burning sands

بر روی شن‌های سوزان

Thinking of our hearts

در حالیکه به قلب‌های ما فکر می‌کرد

Thinking of our souls

در حالیکه به روح‌های ما فکر می‌کرد

He was breaking the swords

شمشیرها را می‌شکست

Breaking the swords

شمشیرها را می شکست

Thinking of our hearts

در حالیکه به قلب های ما فکر می کرد

Thinking of our souls

در حالیکه به روح های ما فکر می کرد

He was running through the arrows

در میان تیرها می دوید

Running through the arrows

در میان تیرها می دوید

You can feel him in your heart

می توانی او را در قلبت احساس کنی

Come and enjoy his light

بیا و از نور او لذت ببر

Husayn

حسین

Husayn

حسین

Husayn

حسین

Husayn

حسین

Husayn

حسین

Husayn

حسین